

نشانی‌هایی از یک دوران پرتب و تاب تاریخی



بهروز فاتحیان

صغر پتگر بود که به موازات آفرینش هنری به تعلیم و تربیت هنر جوانان پرداختند. همین آموزشگاه به عنوان اولین کلاس آزاد نقاشی بانوان در ایران هم شناخته می‌شود و با توجه به سال تأسیس این آموزشگاه (۱۳۱۹) آنان را باید از جمله اولین خدمت‌دهندگان به فرهنگ بانوان در ایران جدید هم به حساب آورد.

اینکه جعفر پتگر چگونه به نقاشی می‌اندیشید و چه سودایی در این زمینه در سر داشت، شاید به اندازه هر هنرمند دیگری وابسته به فضای فرهنگی و اجتماعی مشخصی است که او در آن نفس می‌کشید. به همین دلیل است که شاید بهتر باشد در فرصتی که در آستانه یکصدمین سالگرد تولد او، برای مروری اجمالی بر دستاوردهای هنری‌اش دست داده، فضای زیسته هنرمند در آن دوران را هم تا اندازه‌ای مورد توجه قرار دهیم.

سسال‌های نوجوانی جعفر پتگر که با اولین آموزش‌های هنری جدی در مدرسه صنایع مستظرفه آذربایجان در تبریز همراه شد، همچنان سال‌های سیطره مکتب کمال‌الملک بر فضای هنری کشور بود. مکتبی که طبیعت‌گرایی و در کنار آن یادآوری

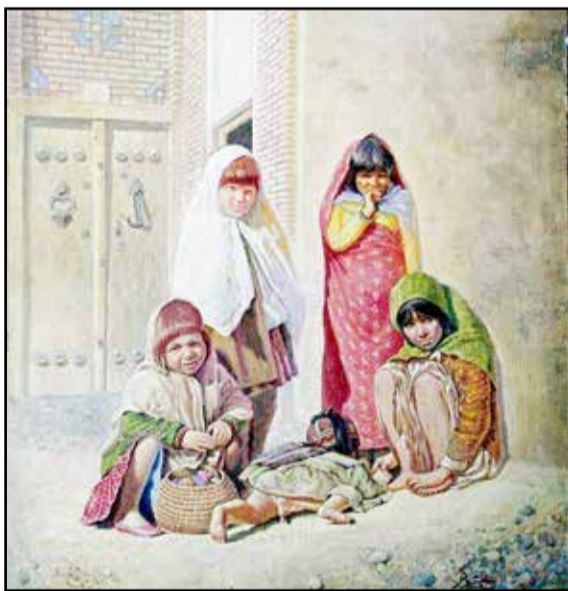


جعفر پتگر از جهات مختلف هنرمندی اثرگذار در یکصدسال گذشته محسوب می‌شود. تأسیس اولین و یکی از دیرپا ترین آموزشگاه‌های خصوصی نقاشی در ایران یکی از فعالیت‌های جعفر و علی اصغر پتگر بود که به عنوان اولین کلاس آزاد نقاشی بانوان هم یک مرکز هنری تأثیرگذار شمرده می‌شود

جایگزین آن‌ها کند. به این ترتیب است که نقاشی‌هایی از جعفر پتگر چون «دکه عمو شله»، «پسرک فقیر» و مشخصاً تابلوی «چمه‌های محله مارالان» که کودکان فقیری را در محله‌ای در تبریز به تصویر می‌کشد، خود را به عنوان جایگزینی برای بعضی از نقاشی‌های رومانیک کمال‌الملک چون «زرگر بغدادی»، «فالگیر په‌ودی» و «مرد مصری» می‌کند که همچنان تصاویری سحرآمیز و خاطره‌نگارانه را از تاریخ به دست می‌دهند. با وجود تجربه‌های گوناگون جعفر پتگر در دوره‌های مختلف آفرینش هنری او، اما همین معطوف بودن هنرمند به ردها و اولاد انسان‌هایی بانشانی‌های مشخص است که از او چهره‌ای متمایز ساخته است. بر وی کردی که حتی تا امروز در کمتر نحله و مکتب هنری پس از او مصداقی آشکار و قابل اعتنا پیدا کرد و به روایت‌هایی قابل استناد از آنچه جامعه ایرانی در این قرن پرتب و تاب پشت سر گذاشت منجر شد.

اغلب مغازه‌های خرازی و کتاب فروشی و فروشندگان نوشت‌افزار در تبریز، کارت پستال‌های سیاه‌وسفید و گاهی رنگی، از تابلوهای نقاشان اروپایی فروخته می‌شد. بعضی از آن‌ها برای خود می‌خریدم و بعضی دیگر را، از پشت و بترین مغازه‌ها تماشایی کردم. البته چیزی در باره آن‌ها نمی‌دانستم؛ فقط از تماشای آن‌ها لذت می‌بردم. بعدها که به هنرستان وارد شدم، دانستم در مورد این کارت پستال‌ها بیشتر شد.

گذار از طبیعت‌گرایی به واقع‌نگامی
همین سال‌ها یعنی از سال ۱۳۰۶ شمسی آغاز بازتستگی خودخواسته کمال‌الملک است که یک سال بعد به نابینایی او و به تمامی کناره گرفتن از فضای هنری منجر می‌شود. به عنوان طلاهدار طبیعت‌گرایی در هنر ایران، کناره گرفتن کمال‌الملک از هنر ایران را باید نقطه آغازی بر پایان سیطره این شیوه بر فضای هنری دانست. در فاصله همین سال‌ها تاج‌گرفتن تجربه‌های مدرنیستی در هنرهای تجسمی ایران است که مجالی برای بروز دغدغه‌های متفاوت فراهم می‌شود. جعفر پتگر در همین سال‌ها است که فرصت می‌یابد چشم اندازهایی واقع‌گرایانه را در نقاشی‌هایش ارائه کند و در عین حال که در امتداد تجربه‌های طبیعت‌گرایانه سنت کمال‌الملک حرکت می‌کند، مابه‌ازاهایی از فضای زیسته خود را نیز



زیستن در کوران تحولات اجتماعی

تولد جعفر پتگر به لحاظ تاریخی با یک جابه‌جایی بزرگ در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور هم‌زمان می‌شود. در ۳ اسفند ۱۲۹۹ رضاخان مینیر، فرمانده تیب‌همدان با همکاری سیدضیاءالدین طباطبایی، مدیر روزنامه عدل‌علیه دولت سپهدار رشتی، نخست‌وزیر احمدشاه قاجار کودتا می‌کند و زمینه سقوط سلسله قاجار و تأسیس حکومت پهلوی را فراهم می‌آورد. از طرف دیگر، دو سال قبل از تولد جعفر پتگر (۱۹۱۸ میلادی) بلشویک‌ها در روسیه انقلاب کرده و حکومت شوروی را بنیاد گذاشته بودند، اوضاع داخلی ایران و شوروی تازه

از این قرار است که عدم برگزاری به موقع دوسالانه‌های تجسمی در حقیقت معلول عدم اعتماد به نفس و ضعف شدن انجمن‌های هنرهای تجسمی در یکی دو دهه گذشته است. به عبارت روشن‌تر انجمن‌های تجسمی متوجه شده‌اند که در برگزاری دوسالانه‌ها به عنوان رخدادهایی پیشگام حرفی برای گفتن نخواهند داشت و در وضعیت پیش آمده، دلیل همه این‌ها در رفتن هادر این خلاصه می‌شود که برگزاری دوسالانه‌ها به جای نمایش غنای تجربه‌های هنری شاخه‌های مختلف هنرهای تجسمی در حقیقت نمایش ضعف و اقول هنرهای تجسمی در این سال‌ها خواهد بود.

اما پرسش اصلی اینجاست که اقول انجمن‌های هنری و بازماندن از پیشگامی رخدادهای تجسمی چگونه اتفاق افتاده و معلول چه عواملی است؟ پاسخ این پرسش را باید در مناسباتی ناوشسته جستجو کرد که موازنه‌نقش آفرینی هادر عرصه‌های تجسمی کشور را تا اطلاع ثانوی به سوی نهادهایی چون جراحی‌ها و مجموعه‌داران هنری چرخانده است و با وجود عدم توانایی و صلاحیت این نهادها در پیشبرد گفتمان‌های هنری پیشرو، زمام چنین اموری را به آن‌ها سپرده است. اینکه چگونه چنین پدیده ناهنجاری در فضای هنرهای تجسمی ایران سایه‌گسترده، به‌رغم انکارها اما حاصل انفعال نهادها و تشکل‌های مستقل هنری و به موازات آن حمایت‌های تمام‌قد نهاد دولت از حراج‌گذاران و مجموعه‌داران هنری است که نقش ذاتی خود را به دنبال بی‌عملی و تن دادن به این مناسبات مسموم و مخرب به طور کامل به جریان‌هایی واگذاشته‌اند که بیشترین هم‌وغم‌شان سود آفرینی و تثبیت کالوارگی اثر هنری است.

دوسالانه‌های هنری است. در سال‌های گذشته نیز عدم برگزاری و با تأخیر در برگزاری دوسالانه‌ها عمدتاً به دلایل مختلف و متنوع صورت گرفته است. در برخی دوره‌ها برخی از انجمن‌ها خودشان به تشخیص رسیده‌اند که در این دوره نباید دوسالانه‌ای را برپا کنند. این دیگر بحث من نیست، موضوع وزارت ارشاد است که سال‌ها صفت دروغی را به آن منتسب کرده‌اند. اینقدر این جملات گفته شده بود که خود ما هم داشتیم باور می‌کردیم. ولی وقتی بررسی کردیم و باتک‌تک انجمن‌ها نشستیم، دیدیم در بسیاری از اوقات، برخی از انجمن‌ها آمادگی لازم را برای برپایی بینال نداشتند یا هم اکنون به برگزاری آن به روش قبل، تمایلی ندارند. هدف این است که انجمن‌ها با حمایت اداره کل هنرهای تجسمی، خود برای بهتر برگزار شدن دوسالانه‌ها به هر شکل و اسمی تصمیم‌گیری کنند.

موضع مدیر کل هنرهای تجسمی در این ارتباط اگر چه در نهایت از عملکرد این دفتر دفاع می‌کند، اما حاوی یک نکته مهم است: و آن اینکه انجمن‌های هنری به دلایلی ناگفته‌و ناوشسته اغلب از برگزاری دوسالانه‌های تخصصی هنرهای تجسمی طفره می‌روند. از قبضا با نور افکندن بر همین نقطه است که رمز وراز طفره رفتن در برگزاری دوسالانه‌ها آشکار می‌شود. ماجرا

چگونه گفتمان پیشرو هنرهای تجسمی مغلوب بازار شد؟

همچنین اختلافات و ناهماهنگی‌ها میان انجمن‌های هنرهای تجسمی و نهاد دولت است که مانعی بر سر راه برگزاری دوسالانه‌ها شمرده می‌شود. اما در اینجا هم این پرسش مطرح است که انجمن‌های هنری با کدام توجیه برگزاری دوسالانه‌ها را قربانی این اختلاف می‌کنند، در حالی که باید بیشترین اهتمام این انجمن‌ها بر پیوستگی در برگزاری دوسالانه‌ها - به عنوان اصلی‌ترین خروجی فعالیت انجمن‌های هنری - متمرکز شود. به عبارت روشن‌تر پرسشی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که آیا انجمن‌ها ترجیح می‌دهند به بهانه چنین اختلاف آری‌ری در برگزاری دوسالانه‌ها به طور کلی صورت مسئله را پاک کنند؟ اما فارغ از همه این‌ها تحلیل نهایی از وضعیتی که گریبان‌گیر دوسالانه‌های تجسمی کشور شده چیست؟ یکی از تازه‌ترین واکنش‌ها در این ارتباط اظهارات هادی مظفری، مدیر کل هنرهای تجسمی در حاشیه هفتمین دوره «۱۰ روز با عکاسان» است که برخی زوایای این معضل را به روی ما می‌گشاید. هادی مظفری در این سخنان بابیان اینکه این روزها به کرات این جمله را می‌شنویم که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از برگزاری دوسالانه‌های هنری امتناع می‌کند، گفته است: «این یک دروغ بزرگ است که هدف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عدم برگزاری

آغاز رقابت عکاسی «آسمان شب» با محوریت میراث ملی

در صدمین سالگرد تأسیس «اتحادیه بین‌المللی نجوم» (IAU) گروه ترویج علم «ساروس»، رقابت عکاسی «آسمان شب» را با محوریت میراث ملی ایران کلید زد. این رقابت عکاسی با هدف آگاهی بخشی درباره آسمان شب و با استفاده از میراث تاریخی، طبیعی و ناملموس ایران تعریف شده است. عکاسان علاقه‌مند از ۸ شهریور تا ۱۷ آبان فرصت دارند آثار خود را ارسال کنند. نتایج این رقابت طی داوری بین‌المللی در دی ماه ۱۳۹۸ اعلام خواهد شد.

برای این رقابت بنیان‌های توسط گروه ترویج علم «ساروس» منتشر شد که به شرح زیر است. «فاصله زیادمان با ستاره‌ها و اجرام آسمانی باعث می‌شود نوری که از آن‌ها ساطع می‌شود، برای آن‌ها که به ما برسد مسافت زیادی را طی کند. این سفر نور گاهی تنها هشت دقیقه حدود فاصله ما با خورشید و گاهی میلیون‌ها سال طول می‌کشد. در نجوم فاصله‌ها را با «سال نوری» می‌سنجند. یک میلیون سال نوری یعنی اگر هم اکنون پرتو نوری از یک جرم کیهانی ساطع شود، یک میلیون سال زمان می‌برد تا به چشم ما روی زمین برسد. یعنی آن‌ها می‌بینیم یک میلیون سال قبل آن جرم کیهانی بوده است. یعنی آن‌ها، از خورشید نیز می‌بینیم هشت دقیقه قبل اوست.

این دفعه که به آسمان شب نگاهی انداختید، خاطر تان باشد که به گذشته نگاه می‌کنید. مفهوم «گذشته» گره‌ای شد تا به آن دست بیندازیم و از آن بالا برویم. می‌دانستیم جامعه‌ای که با گذشته خود غریبه باشد، مجبور به تکرار آن می‌شود. در ک کرده بودیم که ملت بی‌گذشته، داده‌ای برای تحلیل آینده‌اش ندارد. این شد که آسمان را با تقسیم به ریسمان‌هایی که از گذشته بر ایمان به میراث مانده‌اند. همه گذشته‌های ما؛ از آن چه در قالب آیین‌ها و سنت‌ها، از نیاکان ما باقی مانده تا بناهای کهن و نو، تا طبیعت و جغرافیای ایران. می‌خواهیم فلات ایران را کنار گذشته‌های دور تر بنشانیم. آسمان شب و ستاره‌هایی که باقی مانده انفجار بزرگ (بیگ‌بنگ) هستند؛ انفجاری که نقطه آغاز مان بود. مسئولیت اجتماعی ساروس ایجاب می‌کرد قدامت تنها محدود به آسمان شب نشود. آن چه از آسمان شب فرا گرفته بودیم را توسعه دادیم به میراث ایران. مادر برابر گذشته مسئولیم؛ در برابر شناختنش، در برابر باز شناساندنش به دیگران، در برابر نگهداشتش به آیندگان. آن چه هم‌اکنون هستیم، مجموع فریم‌هایی متناوب از «ما» از گذشته تا همین لحظه است. طوری که فکر می‌کنیم، طوری که رفتار می‌کنیم، بسیاری از ترس‌ها، وسوساها و عادت‌های مان میراث گذشته‌مان هستند. گذشته چه در قالب فردی و چه در قالب اجتماعی اش مفهومی است که می‌خواهیم در «میراث آسمان» به آن تکیه دهیم و در موردش گفت‌وگو کنیم.»



در همین ارتباط شایسته یادآوری است که: انجمن عکاسی میراث فرهنگی که به شکل متمرکز در زمینه ثبت و ضبط میراث فرهنگی کشور فعالیت دارد، پذیرای آثار و اسناد این حوزه است و بر اساس ضوابط مندرج در سایت انجمن آثار هنرمندان را در این پایگاه ارائه می‌کند. انجمن عکاسی میراث فرهنگی یک انجمن مردم‌نهاد است که با هدف ترویج و اعلا عکاسی میراث فرهنگی و تبیین نقش آن در حفظ میراث فرهنگی و توسعه گردشگری کشور تشکیل شده است. برگزاری نمایشگاه‌های عکس «کویر» در خانه هنرمندان، ایران ۱۳۹۵، «سرسزمین بادگیرها» در ششمین همایش ۱۰ روز با عکاسان ایران در خانه هنرمندان ایران ۱۳۹۶، همچنین برگزاری نمایشگاه عکس «چشم‌انداز ایران» از آثار اعضای انجمن در هفتمین همایش ۱۰ روز با عکاسان ایران در خانه هنرمندان ایران ۱۳۹۷، از جمله فعالیت‌های این نهاد در عرصه معرفی و ثبت و ضبط میراث ملی ایران شمرده می‌شود.